

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله سی و دوم)

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۶

حالی که دموکراسیس، فرقه میسکنانم!

دوستی ارجمند قصه میگرد، که چون هاشم خان – که در افواه عوام به "صدر اعظم کهنه" شهرت یافته بود – از کرسی صدر اعظمی افغانستان کنار رفت (یا کنار زده شد) و در عوض سپاهسالار شاه محمود خان بر اریکه قدرت نشست، آوازه دموکراسی برخاست و در و دیوار کشور شعار دموکراسی را سر دادن گرفت. مردم ما که به اصطلاح "از بخش کرده به تلاش خوشتر اند" و دموکراسی را در معنای "آزادی بی بند و بار" و "هرکه هرچه دلش بخواهد بکند" فهمیده بودند، باری مادر بزرگوار آن دوست متأثر از چنین فضائی، روزی چپک خود را گرفته بر فرق مزدور میزد، عیناً به گونه ای که وکلای محترم "ولسی جرگه" چپک های خود را بر فرق خانم ملالی جویا – همان زن به گفته ابوالفضل بیهقی "جگرآور" و وکیل شجاع شورا – نواختند. وقتی اهل خانه آن بیچاره را از زیر لت و کوب خلاص کرده و علت لت کردن را پرسیده بودند، آن برزگوار که دلش از "نافرمانی" و "بی گفתי های" مزدور داغ داغ گردیده بود، نوکر "برگشته بخت" را مخاطب ساخته، فرموده بود :

"حالی که دموکراسیس، فرقه میسکنانم" (حالا که دموکراسیست (دموکراسی است) ، فرقت را می شکنانم).

این قصه را که احتمالاً مانده لطیفه جلوه کند، در همین عصر و زمان و در دهه اول قرن بیست و یکم وطن به چشم های گنهگار و گنهکار خود می بینیم :

- نافرمانی از "دولت" و قانون و نادیده گرفتن تصامیم مقامات اداری کشور
- آزادی مطلق در چور و چپاول سرمایه های ملی و پولهای باد آورد بین المللی
- آزادی بی لگام در تاراج آثار عتیقه و اجبار کریمه کشور
- آزاد بودن کشت کوکنار و تولید تریاک و هیروئین و دگر مواد مخدره
- رشوه گرفتن های برملا و بی پرده و بدون ترس و لرز
- جعل کردن اسناد ملکیت و تصاحب ملک و زمین مردم
- نشستن "ناحق" بجای "حق" ، "بدل" بجای "اصل" و "دییسی" بجای "ولایتی"
- رائج گردیدن فحشاء و اپیکوریزم و خوشباشی ها
- اصول را رها کردن و به فروغ چسپیدن ها
- حاکم شدن فتنشیزم پولی و جنبه الوهیت پیدا کردن پول در سطحی که "زر گر سر فولاد نهی، نرم شود."
- تجاوز به سر و مال و ناموس مردم ، و مردم را برده و نوکر زرخرد خود دانستن ها
- اختطاف خدمتگاران مردم و سربردن معلم و مقنن و داکتر و انجنیر و هرچه تعلیم یافته است
- اختطاف کودکان و کشیدن چشم و گرده و قلب و دگر اعضای کارآمد بدن ایشان

- تجاوز بر کودکان و دختران خرد سال، که در هیچ دوره ای از تاریخ ما دیده نشده
- تجارت انسان به شیوه ای که اروپائیان و سیاهپوستان مظلوم و "بازار برده فروشان" را بیاد می‌دهد
- تقلب ها ، در جان زدن ها ، جیب پرکردن ها ، حیف و میل کردن اموال عامه و دارائی های ملی
- از "هویت قانونی افغانی" خود منکر گشتن و "هویت مسخره و غیرقانونی" برای خود تراشیدن ها
- از "گاوزوری" کار گرفتن ها و لوله تفنگ را بر دهان مظلومان ماندن ها
- غصب املاک عامه و استملاک جایداد های دولتی و کشوری
- برگزیده شدن تردامنان ، جنایتکاران و خائنان بحیث وکلای مردم و جای گرفتن ایشان در "خانه ملت"
- انتصاب جنایتکاران و اشخاص مشهور بالفساد و بدنام در پوست های بالای دولتی در داخل و خارج
- دزد را "دزد بگیر" مقرر کردن ها و از "شوره سنبل خواستن" ها
- و چه و چه و چه ها و چه و چه و چه کردن ها

بلی ؛ مفتتان و تبعیض طلبان و تفرقه افگنان و زورآوران و جباران و سرکوبگران و مختلسان و کلاهبرداران و قاچاقبران و جنگ پروران و سلاحسالاران و جانان و خائنان و در یک کلام "مفسدین فی الارض"، که سه دهه تمام مظلومان وطن را چاپیدند و زدند و کشتند ... و هنوز هم دلشان یخ نکرده و تشنه خون مردم اند، اینک با ظهور طلیعه دموکراسی وارداتی و از خیرات فضائی که اشغالگران و قوای متجاوز ناتوئی مساعد ساخته اند، با استفاده از چنین "میدان شغالی" خدا داد ، کاملاً حق دارند، که این ملت "هردم شهید" ، "از یاد رفته" و "از نظر افتاده" را مخاطب قرار داده، بگویند :

"حالی که دموکراسیس، فرقتانه میشکنانیم!"

والسلام و الامان از دموکراسی